

بررسی و تحلیل کلاهبرداری به واسطه استفاده از سکه های تقلبی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۱۲/۱۸)

دکتر حسین یاراحمدی^۱

سیدمحمد نبوی

چکیده

همانطور که می دانیم جعل یا تقلب بحث جدیدی نیست و از ابتدای پیدایش اشیاء گران قیمت و اوراق بهادار همواره عده ای در پی سوء استفاده از آنها بوده اند. تقریباً تمام کشورهای دنیا با چنین معضلی مواجه هستند، و در تمام زمینه ها از جمله اسکناس، اسناد بهادار و سکه همواره چنین تقلبات و جعل هایی وجود داشته است. متأسفانه برخی افراد سودجو به واسطه اعمال متقلبانه و فریب کارانه و با استفاده از سکه های تقلبی اموال دیگران را می ربایند و در فرض مطروحه مرتکب دو جرم از نوع تعدد مادی می شوند. جرم اول ضرب سکه و جرم دوم کلاهبرداری می باشد. در پژوهش حاضر که به روش تحلیلی-توصیفی نگارش شده است قصد داریم به بررسی و تحلیل کلاهبرداری به واسطه استفاده از سکه های تقلبی بپردازیم. روش گردآوری اطلاعات و داده ها از نوع فیش برداری و استفاده از کتب، مقالات و پایان نامه های مرتبط با موضوع پژوهش حاضر است. در پایان این مقاله پیشنهاداتی در راستای پیشگیری از ارتکاب این جرم ارائه داده ایم که ان شاء الله شاهد ارتکاب چنین جرایمی در آینده نباشیم.

واژگان کلیدی: ضرب سکه، کلاهبرداری، ربودن مال دیگران، سکه های تقلبی، کلاهبردار، ضرب مسکوک

بخش اول: کلیات

در ایران معمولاً سکه را با چکش ضرب می زدند و طریقه ضرب این گونه مسکوکات آسان بوده قرن‌ها به این ترتیب عمل می کردند که ابتدا نقش پشت سکه را روی فلز محکمی که معمولاً از فولاد بود به طور معکوس و منفی حکاکی می کردند و آن را در وسط سندان کار می گذاشتند و به همان طرز عیناً نقش روی سکه را نیز در سر سنبه ای از فولاد حکاکی می کردند پس از تعیین عیار مناسب فلزات و ذوب و شمش نمودن، آنها را خرد کرده، به قطر و وزن لازم به صورت قطعاتی می بریدند و آنها را گداخته و به ضرب فشار چکش بصورت مسکوک درمی آوردند. این نوع سکه زدن منحصر به کشور ما نبوده تقریباً در همه جای دنیا به همین شیوه عمل می شود، بعدها به صورت بسیار ابتدایی از منگنه ها استفاده می کردند و پس از سال ۱۵۶۱ م با اختراع ماشین ضرب سکه در اروپا، سکه های استاندارد رواج یافت. براساس نوشته ها و مدارک موجود در ایران در زمان صفویه نظم و ترتیب خاصی برای ضرب سکه وجود داشت و ضربخانه، سازمان اداری گسترده ای دارای مشاغل متنوع بوده که تحت معیرالممالک اداره می شد عزل و نصب حکاکان، زرکشان، ضربباشی، ضابطان، صنعتگران، کارکنان و کارمندان با وی بود و هیچ یک از عاملین دیگر حق دخالت نداشت تا دوران ناصرالدین شاه در سال ۱۲۸۲ ضربخانه ای جدید از فرانسه خریداری و به ایران آورده شد و پس از ۱۲ سال وقفه ضربخانه ای در سال ۱۲۹۴ کار خود را آغاز کرد. بزرگترین سکه جهان سکه ای زرین به نوشته فارسی و روی آن لاله اله الله محمد رسول الله نوشته شده و در موزه بریتانیا نگهداری می شود. (منبع دانشنامه ویکی پدیا- سکه شناسی ایران)

بخش دوم: بررسی و تحلیل سکه تقلبی

سکه تقلبی، سکه ای است که از فلزات ارزان قیمت به ظاهر به صورت سکه اصل ساخته می شود. در گذشته و حال کسانی که سکه تقلبی می ساختند، برای انجام کار خود بیشتر از فلزات ارزان چون مس و برنج سکه هایی شبیه به اصل فراهم می نمودند و بعد روی آنها را آب زر یا سیم می پوشاندند و به جای سکه های اصلی روانه بازار می کردند. لغت (سه توی) نیز به معنی سکه تقلبی آمده و آن عبارتست از (پول قلب و مسکوک مسی که روی آن آب و یا نقره داده باشند) بدون شک کمی پس از پیدایش سکه، قلب و دگرگونی در آن نیز پدید آمده است،

اگرچه دقیقاً نمی توان شروع قلب سکه را تعیین کرد، اما می دانیم که پس از پیدایش الکترون نخستین سکه جهان در لیدی، کسانی که مبادرت به تهیه الکترون های تقلبی نمودند، تاجایی که قارون پادشاه کشور لیدی در سال ۵۵۰ پیش از میلاد به همین جهت الکترون را از گردش انداخت نکته مهم آن که در بررسی های تاریخی مشاهده می شود، هرگاه در ارکان اداری حکومت ها سستی پدیدار گردد، همان طوری که در تمامی زمینه های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه خلل و تقلب پدید می آید. ضرب سکه نیز از این دایره عمل بیرون نبوده و تقلب سکه هم نمودار می گردد و گسترش می یابد، علت دیگری را هم که سبب رواج بازار سکه تقلبی می گردد نباید از نظر دور داشت، آن هم کمیابی سکه در سطح جامعه است که به دلیل مختلف ممکن است رخ دهد. در لغت نامه دهخدا درباره اولین کسی که مبادرت به ضرب درهم تقلبی کرد، آمده است؛ «گویند نخستین کسی که در هم غش دار سکه زد، عبدالله بن زیاد بود.» و در کتاب «مقیاسات و نفوذ در حکومت اسلامی» مذکور است: «بلاذری می گوید: روزی را نزد عمر بن عبدالعزیز آوردند. (که تقلب سکه می کرد) عمر دستور داد او را تازیانه زدند و زندانی کردند و سکه او را در آتش انداختند و نویسنده تاریخ آل جلاویه سخن درباره ی قلب سکه دارد او می نویسد. در دوران جلاپریان برای جلوگیری از تقلب، عیار سکه را از بین بردند و تنها زر را با بوره و سیم را با کمی جیره مخلوط می کردند).

بخش سوم: بررسی اصول و ارکان کلاهبرداری و ربودن مال دیگران به طرق مشابه

برای تحقق هر جرم وجود عناصر و ارکانی لازم است که در کمیت و کیفیت آنها اختلاف عقیده وجود دارد، به نظر می رسد این اختلاف عقیده نتیجه اعتبارات مختلفی است که برای تحقق جرم در نظر گرفته شده است. اگر جرم را پدیده ای مادی تلقی کنیم و فقط به نمود خارجی آن توجه داشته باشیم، برای تحقق جرم، نفس عمل انجام شده- صرفنظر از قصد مرتکب و نظر قانونگذار- کافی است. اما پدیده های حقوقی امور اعتباری است، نه واقعی و مادی. جرم نیز مانند هر پدیده حقوقی دیگر امری اعتباری است که برای تحقق آن باتوجه به اعتبارات مختلفی که در نظر گرفته شده، ارکان یا عناصر مختلفی لازم است. اگر در تعریف جرم پیش بینی قانونگذار نیز لازم و مورد نظر باشد، رکن قانونی نیز از ارکان تشکیل دهنده

جرم تلقی می شود و حکم قانون را نمی توان خارج از ماهیت اعتباری جرم دانست.^۱ برای تحقق هر جرمی سه رکن اعتبار شده است که عبارتند از: رکن قانونی، رکن معنوی و رکن مادی.^۲ علاوه بر ارکان عمومی، هر جرمی دارای عناصر اختصاصی است که آنرا از سایر جرائم متمایز می سازد. مثلاً بردن مال غیر از طریق توسل به وسایل متقلبانه، عنصر اختصاصی جرم کلاهبرداری است و ربودن مال متعلق به غیر از عناصر اختصاصی جرم سرقت محسوب می شود. در این فصل ارکان عمومی جرم کلاهبرداری و عناصر اختصاصی آن مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

بند اول: بررسی رکن قانونی

یکی از اصول حاکم بر حقوق جزا اینست که تا زمانی که قانونی لازم الاجرا عملی را جرم اعلام نکند و عامل آنرا قابل مجازات نداند، اشخاص در انجام آن عمل آزادند. فعل یا ترک فعل هر چند هم زشت و غیر اخلاقی و خطرناک باشد جرم به حساب نمی آید و به قاضی کیفری اجازه نمی دهد آن را مجازات کند مگر اینکه قانونی قبلاً آن عمل را جرم شناخته باشد. همچنین هیچ مجازاتی را نمی توان به افراد تحمیل کرد، مگر آنکه نوع و میزان آن قبلاً در قانون تعیین شده باشد. لزوم رکن قانونی برای تحقق عنوان مجرمانه از مهمترین وسایل تضمین حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی است.^۳ در نظام حقوقی ایران مقررات مربوط به بزه کلاهبرداری برای اولین بار با اقتباس از ماده ۴۰۵ قانون مجازات فرانسه در ماده ۳۰۰ قانون جزای عرفی مصوب پنجم جمادی الاول ۱۳۲۵ ه. ق مورد حکم قرار گرفت. سپس در ادامه تغییر و تحولات این قانون این موضوع در ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ ه. ش به صورت زیر انشاء شد:

«هر کس به وسایل تقلبی متوسل شود برای اینکه مقداری از مال دیگری را ببرد یا از راه حيله و تقلب مردم را به وجود شرکتها یا تجارخانهها و یا کارخانههای موهوم و امثال آن یا به داشتن اختیارات یا اعتبارات موهومه مغرور کند یا به امور غیر واقع امیدوار کند یا از حوادث و

۱. حبیب زاده، محمد جعفر، تحلیل جرائم کلاهبرداری و خیانت در امانت در حقوق کیفری ایران، چاپ اول، نشر دادگستر، ۱۳۸۹، ص ۲۹.

۲. گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای عمومی، چاپ دهم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۴، ص ۷۲.

۳. همان منبع، ص ۷۳.

پیشامدهای غیر واقع بترساند و یا اسم و یا عنوان یا سمت مجعول نماید و به یکی از طرق مزبوره وجوه یا اسناد و بلیطها و قبوض و مفاصاحساب و امثال آن به دست آورد و از این راه مقداری از اموال دیگری را بخورد به حبس تأدیبی از شش ماه تا دو سال و یا به تأدیه غرامت از پنجاه الی پانصد تومان و یا به هر دو مجازات محکوم خواهد شد و اگر شروع به این کار کرده ولی تمام نکرده باشد به حبس تأدیبی از دو ماه تا یکسال و به غرامت از بیست الی دویست تومان محکوم خواهد شد و ممکن است در صورت تکرار مرتکب را در مدت یک تا پنج سال از اقامت در محل مخصوصی منع نمود. « متعاقباً در ۲۴ دیماه سال ۱۳۱۴ه. ش به دلیل وجود برخی از ابهامات و تردیدهای حاصل از متن ماده مذکور و جلوگیری از برداشتهای دوگانه و استنباطهای متفاوت از قرائت و مفاد و مدلول این ماده تفسیر آن به شرح ذیل تحت عنوان یک ماده واحده به تصویب رسید.

ماده واحده: «مقصود از توسل به وسایل تقلبی برای بردن مال غیر، مذکور در ماده ۲۳۸ قانون مجازات اعم از این است که حيله و تقلب را در خارج اعمال کنند و یا در ضمن جریان امر در ادارات ثبت تا سایر ادارات دولتی یا محاکم و نیز مقصود از جمله، اگر شروع به این کار کرده ولی تمام نکرده باشد، اعم از این است که بر فرض تمام کردن مالی را که مقصود داشته بدست می آورده یا به جهاتی نتیجه به او نمی رسیده است. »

در حال حاضر ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری و دو تبصره آن مصوب ۱۳۶۷ رکن قانونی بزه کلاهبرداری را تشکیل می دهد.

به موجب ماده یک قانون مذکور: «هر کس از راه حيله و تقلب مردم را به وجود شرکتها یا تجارتخانه ها یا کارخانه ها یا موسسات موهوم یا به داشتن اموال و اختیارات واهی فریب دهد یا به امور غیر واقع امیدوار نماید یا از حوادث و پیش آمدهای غیر واقع بترساند و یا اسم و یا عنوان مجعول اختیار کند و به یکی از وسایل مذکور و یا وسایل تقلبی دیگر وجوه و یا اموال یا اسناد و یا حوالجات یا قبوض یا مفاصا حساب و مثال آنها را تحصیل کرده و از این راه مال دیگری را ببرد، کلاهبردار محسوب و علاوه بر رد اصل مال به صاحبش، به حبس از یک تا هفت سال و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است، محکوم می شود.

بند دوم: رکن معنوی

علاوه بر رکن قانونی مبنی بر پیش بینی رفتار مجرمانه در قانون جزا و رکن مادی جرم - یعنی تظاهر فکر مجرمانه در خارج - عمل مزبور باید از اراده مرتکب ناشی شده باشد. در واقع باید میان عمل و فاعل رابطه روانی یا ارادی موجود باشد که آن را رکن اخلاقی یا روانی یا معنوی می نامند.^۱ صرف ارتکاب عمل به خودی خود دلیل بر وجود رکن معنوی یا روانی نیست و در صورتی که ثابت شود رفتار ارتكابی بدون قصد مجرمانه انجام شده است، مرتکب آن قابل مجازات نیست برای مثال در جرائم علیه اموال از جمله سرقت و تخریب بنا و عمارت و کلاهبرداری قصد و عمد شرط تحقق جرم است و تا قصد مرتکب احراز نگردد نمی توان او را مجرم شناخت. بدین ترتیب در جرائم عمدی تحقق جرم منوط به احراز سوء نیت است و خطا کافی نیست. مثلاً اگر کسی بگوید قادر است امراض لاعلاج را شفا دهد یا مس را تبدیل به طلا نماید و واقعا به این قدرت و توانایی خویش معتقد باشد و دیگری علیرغم غیرممکن بودن وقوع این امور از نظر علمی، فریب خورده و در نتیجه آن، مالی را به شخص مذکور تسلیم نماید کلاهبرداری محقق نخواهد شد. زیرا فاقد سوء نیت است و قصد فریب کسی رانداشته و به صحت آنچه که ادعا می کرده اعتقاد داشته است و عدم تناسب بین ارزش مالی که او مطالبه کرده و یا بدون مطالبه به او تسلیم شده و فایده ای که بر ادعا مرتکب مترتب است خود دلیل و قرینه ای بر این امر است.^۲

رکن معنوی دارای دو جزء است یکی سوءنیت عام که منظور از آن ارادی بودن و آگاهانه بودن اعمال ارتكابی است و دیگری سوءنیت خاص که عبارت از قصد استیلاء مرتکب بر مالی است که به او تسلیم میشود. علاوه بر اینها، علم به تعلق مال به غیر نیز شرط تحقق جرم کلاهبرداری است. بحث تاثیر یا عدم تاثیر انگیزه مرتکب در تحقق جرم نیز از جمله موضوعاتی است که معمولاً در ارتباط با رکن معنوی مورد بررسی قرار می گیرد لذا برای روشن شدن رکن معنوی جرم کلاهبرداری آن را در

۱. گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای عمومی، چاپ دهم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۴، صص ۷۳ و ۱۷۸.

۲. نجیب حسنی، محمود، شرح قانون العقوبات، قاهره، دار النهضة العربية، ۱۹۹۲، ص ۱۰۴۹.

سه بند جداگانه (سوء نیت عام، سوء نیت خاص و تاثیر انگیزه) توضیح می دهیم.

الف) سوء نیت عام

کلاهبرداری از جرائم عمدی است، لازمه ی تحقق آن این است که اعمال تشکیل دهنده رکن مادی عمداً انجام شود. عمدی بودن اقدامات هم شامل توسل به وسایل متقلبانه یا مقدمات اجرایی فریفتن است و هم تصاحب، بردن و خوردن مال غیر.^۱ به موجب رای شماره ۱۶۰۹-۱۳۲۷/۱۱/۵ شعبه دوم دیوان عالی کشور: « سوء نیت نخستین رکن و اولین عنصر تشکیل دهنده ی بزه کلاهبرداری است و بدون احراز آن نمی شود عمل را با ماده ۲۳۸ تطبیق کرد».^۲ شعبه شانزدهم دیوان عالی کشور نیز در رای شماره ۴۸۶، ۷۵/۱۰/۵ در این خصوص اظهار داشته است: «.. حکم به مجازات کسی بعنوان کلاهبردار، بدون احراز سوء نیت ممکن نیست و...»، دادگاههای تالی نیز به هنگام صدور حکم به احراز و یا عدم احراز سوء نیت اشاره می کنند. برای مثال شعبه ۱۳۸ دادگاه کیفری یک تهران در یکی از احکام خود اعلام داشته است: «در خصوص اتهام آقای... به یک فقره کلاهبرداری و دو فقره خیانت در امانت، نسبت به کلاهبرداری صرف نظر از گذشت شاکی و با توجه به اظهارات و دفاع متهم و وجود رابطه حقوقی بین طرفین، به لحاظ عدم سوء نیت حکم به برائت متهم صادر می گردد».^۳ شعبه ۱۴۰ دادگاه کیفری یک تهران نیز در همین زمینه چنین نظر داده است: « در خصوص اتهام... دادر به کلاهبرداری طبق کیفرخواست مورخ ۶۹/۱۲/۵ و شکایت شاکی، بناءً علیهذا اولاً سوء نیتی در عمل متهمان مشهود نیست.... لذا دادگاه به علت فقد دلیل اثباتی کافی رای بر برائت متهمان از بزه اعلام شده صادر و اعلام می دارد».^۴ به طور خلاصه، منظور از سوء نیت عام، اراده خودآگاه فرد در ارتکاب فعل مجرمانه و در اینجا عبارت از قصد به کاربردن وسایل یا انجام مانورهای متقلبانه است. به عبارت دیگر کلاهبردار باید با علم به تقلبی بودن وسیله مورد

۱. سپهوند، امیر، تعزیرات اسلامی (جزوه درسی) تهران، انتشارات آموزش دادگستری، ۱۳۷۶، ص ۳۷۵.

۲. سالاری، مهدی، کلاهبرداری و ارکان متشکله آن، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۶، ص ۱۴۸.

۳. یاد، ابراهیم، حقوق جزای اختصاصی، ص ۶۲.

۴. حبیب زاده، محمد جعفر، تحلیل جرائم کلاهبرداری و خیانت در امانت در حقوق کیفری ایران، چاپ اول، نشر دادگستر، ۱۳۸۹، ص ۱۴۹.

استفاده خود، در استفاده از این وسیله عمد داشته باشد. پس هرگاه کسی واقعاً و صمیمانه معتقد به داشتن اعتبارات یا اختیارات ادعایی بوده و یا خود نیز در تشخیص اموری که موهوم و غیرواقعی است اشتباه کرده و آنها را واقعی می پنداشته است و یا استفاده از وسایل متقلبانه در حال ناهوشیاری مثلاً تحت تاثیر هیپنوتیزم انجام گرفته باشد عنصر سوء نیت عام متزلزل خواهد بود.^۱ حقوقدانان ایران نیز به نحو اتفاق، علم به متقلبانه بودن وسیله را شرط لازم برای تحقق کلاهبرداری می دانند و معتقدند اگر کسی بر اثر غفلت عملی انجام دهد که منجر به تسلیم اموال دیگران به خودش شود، کلاهبردار محسوب نمی شود، زیرا فاقد سوء نیت عام است. همچنین اگر کسی نام دیگری را با اعتقاد به اینکه مستحق استفاده از آن است به کار برد یا اسم دروغی بر خود نهد و یا عنوان خلاف واقع اختیار کند، اما در کمال حسن نیت خود را در تسمیه به آن اسم و یا اختیار آن عنوان محق بداند حتی اگر باعث اغفال دیگری و نیز تسلیم مالش به وی گردد، کلاهبرداری نیست.^۲ در برابر این شرط علم مرتکب به تقلبی بودن وسایل مورد استفاده، شرط تحقق کلاهبرداری است، علم و آگاهی مجنی علیه به تقلبی بودن وسایل مورد استفاده یا غیرواقعی بودن مانورهای مورد استفاده، مانع تحقق یکی از عناصر رکن مادی - که اغفال مجنی علیه است - می گردد.^۳ شعبه شانزدهم دیوان عالی کشور، دادنامه شماره ۲۶۶ - ۶۹/۴/۱۹ صادره از شعبه ۱۹۵ دادگاه کیفری را به همین دلیل نقض کرده است. شعبه مذکور در رای شماره ۴۰۸ - ۷۰/۱۰/۵ در مقام تجدیدنظر نسبت به رای فوق الذکر اعلام داشته است: «... هرچند وسیله بکار رفته توسط متهم جعلی و تقلبی است لکن از آنجا که مجنی علیه به جعلی بودن آن آگاه بوده، کلاهبرداری متصور نیست...».

ب) سوء نیت خاص

کلاهبرداری از جمله جرائمی است که برای تحقق آن علاوه بر سوء نیت عام، وجود سوء نیت خاص نیز ضروری است. منظور از سوء نیت خاص در اینجا قصد بردن مال دیگری است، یعنی هدف کلاهبردار از توسل به وسایل متقلبانه باید بردن مال دیگری باشد. به عبارت دیگر

۱. میر محمد صادقی، حسین، جرائم علیه اموال و مالکیت، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۴، ص ۲۸.

۲. حبیب زاده، محمد جعفر، تحلیل جرائم کلاهبرداری و خیانت در امانت در حقوق کیفری ایران، چاپ اول،

نشردادگستر، ۱۳۸۹، ص ۵۰.

۳. همان، صفحه ۵۰.

مرتکب در استفاده از وسایل متقلبانه می تواند اهداف مختلفی را دنبال کند از قبیل خارج کردن مال خود از دست دیگری (اعم از اینکه وی مال را به حق یا به ناحق در اختیار داشته باشد) یا جلب نظر دیگری برای ازدواج یا آزار رساندن به وی یا بردن مال او یا نظایر اینها، حال از میان همه این اهداف وجود قصد خاص بردن مال دیگری برای تحقق جرم کلاهبرداری ضروری است.^۱

از متن ماده یک قانون تشدید که می گوید: «... از این راه مال دیگری را ببرد...» و نیز رویه قضایی و آرای محاکم عالی و تالی لزوم وجود قصد نتیجه یعنی بردن مال غیراستنباط می شود. رای شماره ۱۳۷۰-۱۳۱۸/۴/۲۴ شعبه دوم دیوان عالی کشور نیز حاکی است: «قصد خوردن مال غیر و سوء نیت رکن مهم کلاهبرداری است بنابراین اقامه دعوی زاید بر میزان استحقاق واقعی، وقتی که از روی سوء نیت و قصد تقلب نباشد، نمی توان آن را مشمول ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی و مقررات جزایی دیگر دانست».^۲ به موجب رای شماره ۵۵۱-۷۵/۱۱/۱۷ شعبه شانزدهم دیوان عالی کشور: «قصد بردن مال غیر و اکل مال به باطل از عناصر تشکیل دهنده جرم کلاهبرداری است و چون متهم ردیف سوم چنین قصدی را نداشته و تنها قصد اذیت و آزار شاکیه را داشته، عمل کلاهبرداری نیست».

ج) انگیزه

داعی و انگیزه جرم را عموماً مقصد نهایی که از طرف فاعل جرم تعقیب می شود، دانسته اند و در تعریف آن می توان گفت عبارت از نفع یا ذوقی است که مجرم را به سوی ارتکاب جرم سوق می دهد^۳، و یا تصویر منفعت یا احساس خاصی است که مرتکب را به انجام دادن عمل مجرمانه تشویق می کند و علت روانی و مشخصه عمل مجرمانه را تشکیل می دهد.^۴ در ارتکاب جرائم انگیزه های مختلفی ممکن است وجود داشته باشد، اما قصد مجرمانه در ارتکاب هر جرمی ثابت است و همواره باید مجرمانه و متقلبانه باشد، در حالی که انگیزه ارتکاب هر جرمی همیشه یکسان نیست و لازم هم نیست که همواره نامشروع باشد، بلکه در

۱. میرمحمد صادقی، حسین، جرائم علیه اموال و مالکیت، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۴، ص ۲۸.

۲. سالاری، مهدی، کلاهبرداری و ارکان متشکله آن، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۶، ص ۱۵۲.

۳. سالاری، مهدی، کلاهبرداری و ارکان متشکله آن، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان، ص ۳۰۵.

۴. گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای عمومی، چاپ دهم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۴، صص ۷۳ و ۱۸۱.

صورت وجود سوءنیت در ارتکاب جرم، خواه انگیزه مرتکب شرافتمندانه باشد خواه نباشد، مرتکب در صورت داشتن شرایط مسئولیت کیفری، مجازات می شود. به این علت، اگر کلاهبردار از طریق به دست آوردن اموال متعلق به دیگری، قصد انجام دادن امور خیریه را داشته باشد، عملش مجرمانه است و مشروع بودن انگیزه، نامشروع بودن وسایل متقلبانه و حرمت اکل مال به باطل را توجیه نمی کند و در صورت وجود کیفیات مخففه نظیر وجود انگیزه شرافتمندانه در وقوع جرم (بند ۳ ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی) طبق تبصره یک ماده یک قانون تشدید، دادگاهها مجازات را تا حداقل مقرر در قانون تقلیل دهند و مختار به صدور حکم به کمتر از حداقل مجازات قانونی نیستند که رای وحدت رویه شماره ۶۲۱-۷۷/۶/۳۱ دیوانعالی کشور نیز موید این نظر است. به این ترتیب انگیزه که از موضوعات روانی است از عناصر تشکیل دهنده ی رکن روانی محسوب نمی شود، اما مقنن جمهوری اسلامی ایران در ماده ۴ قانون تشدید، انگیزه فساد را از عوامل تشدید مجازات دانسته و مجازات مرتکب کلاهبرداری به قصد افساد را همانند مجازات مفسد در نظر گرفته است. در این مورد انگیزه در ماهیت عمل مجرمانه تاثیری ندارد و فقط منجر به تشدید مجازات می شود.^۱

بند سوم: رکن مادی

یکی دیگر از ارکان تشکیل دهنده ی جرم، رکن مادی است. منظور از رکن مادی جرم، رفتار (فعل یا ترک فعل) است که ماهیت قصد انجام دهنده آن را به طور ملموس و محسوس در خارج آشکار می سازد. به عبارت دیگر از طریق مطالعه و بررسی آثار مادی و خارجی عملیات مجرمانه می توان قصد واقعی فاعل آنرا کشف و استنباط کرد، زیرا رفتار او غیر از اندیشه و پندار اوست. از نظر حقوق جزا هیچ کسی تنها به خاطر پندار و اندیشه مجرمانه هر چند زشت و ناپسند هم باشد مادامی که اندیشه او توأم با عملیات خارجی نباشد قابل مجازات نیست.^۲ برای آنکه کسی به اتهام ارتکاب جرم قابل تعقیب باشد باید اعمالی از او صادر شود که کاشف از قصد او به ارتکاب عملی باشد که در قانون جزا جرم است و مادامی که اراده ارتکاب شخص بواسطه عملیات خارجی، آثار عینی از خود ظاهر نکرده باشد نمی توان او را

۱. گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای عمومی، چاپ دهم، تهران، انتشارات میزان، ص ۳۰۶.

۲. ولیدی، محمد صالح، حقوق جزای عمومی، نشر سمت، ص ۲۲۱.

از نظر جزایی مسئول دانست. علت این امر این است که احراز قصد مجرمانه که یک امر درونی و معنوی و غیر قابل ضبط است و از آن به «قصد» تعبیر می شود، تا زمانی که مقرون با رفتاری در خارج آشکار نشود برای دیگران قابل درک نیست. حقیقت این امر را هر کسی می تواند از روی قضاوت وجدان و با توجه به نحوه اعمال و رفتاری که روزانه قصد انجام آن را دارد به خوبی استنباط کند. به علاوه عدالت کیفری نیز اقتضاء دارد که تنها در صورت تحقق عنصر مادی جرم، مرتکب آنرا مسئول و قابل مجازات بدانیم، چون تجسس در اعماق وجدان اشخاص برای کشف «قصد» ارتکاب جرم در نزد آنان مقدور نیست. در بسیاری از موارد اشخاصی که قصد ارتکاب جرم را در مخیله خود می پروراند غالباً به جهات مختلف از جمله ترس از مجازات هرگز قصد مجرمانه خود را با عمل خارجی بروز نمی دهند و از این حیث قابل تعقیب نیستند.^۱ برای اینکه جرمی وجود خارجی پیدا کند پیدایش یک رفتار مادی ضرورت دارد زیرا ابراز فکر مجرمانه برای ارتکاب جرم کافی نیست و اگر سیاست جزائی کشور به صرف قصد ارتکاب جرم، اشخاص را مجرم بداند موجب این خواهد شد که در اعماق وجدان اشخاص تجسسات غیر قابل اغماض به عمل آید و غالباً اشخاص بدون آنکه برای جامعه خطرناک باشند، مجازات شوند.^۲ تجزیه و تحلیل رکن مادی نشان می دهد که این رکن تنها متشکل از عمل فیزیکی که توسط مرتکب جرم انجام می شود نیست، بلکه علاوه بر آن اجزای دیگری را نیز در بر می گیرد که در صورت فقدان هر یک رکن مادی جرم محقق نخواهد شد. عناصر مختلف رکن مادی را می توان به شکل ذیل خلاصه کرد:

- عمل مادی فیزیکی

- شرایط و اوضاع و احوالی که قانونگذار وجود یا فقدان آن را شرط لازم برای تحقق جرم دانسته است.

- نتیجه حاصله از عمل ارتكابی که باید با جزء اول فوق الذکر رابطه سببیت داشته باشد.

رکن مادی هر جرم مهمترین رکن آن جرم را تشکیل می دهد زیرا رکن مادی است که به جرم عینیت خارجی بخشیده، آنرا به منصه ظهور می رساند. فکر و اراده ی ارتکاب جرم هر

۱. ولیدی، محمد صالح، حقوق جزای عمومی، نشر سمت، ص ۲۲۰.

۲. علی آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، ج ۱، چاپ دوم، تهران، انتشارات فردوسی، ۱۳۸۷، ص ۵۶.

چند قبیح و قابل سرزنش باشد تا زمانی که ظهور خارجی پیدا نکند نه تنها قابل کشف و رویت نیست بلکه عملاً آثاری بر آن مترتب نیست تا بتوان صاحب آنرا مورد عتاب و عقاب قرار داد. رکن مادی جرم کلاهبرداری نیز مهمترین و پیچیده ترین^۱ رکن آن است که به دلیل تحولات و پیشرفتهای سریع صنعتی و گستردگی دامنه تفکر بشر و تنوع ارتباطات، مصداقهای آن دچار تحول و دگرگونی بسیار شده و احصاء پذیر نیست. از طرف دیگر رکن مادی جرم کلاهبرداری مرکب است و هر یک از عناصرش به تنهایی برای وقوع جرم مذکور کافی نیست. برای تحقق جرم کلاهبرداری به طور کامل - نه در حد شروع به جرم - علاوه بر فعل مجرمانه، نتیجه مجرمانه نیز باید تحقق یابد و بین فعل مجرمانه و نتیجه ی آن نیز باید رابطه سببیت برقرار باشد. همچنین جرم کلاهبرداری یک جرم مقید است و در صورت عدم تحقق نتیجه، کامل نمی شود و در صورت وجود سایر شرایط ممکن است شروع به جرم تلقی گردد. الف) رفتار مجرمانه (رفتار مادی فیزیکی)

اساس کلاهبرداری و ماهیت اصلی آن، استیلاء بر مال غیر از طریق حيله و تقلب است که آن را از سایر جرائم از قبیل سرقت و خیانت در امانت متمایز می سازد. توسل به حيله و تقلب به منظور اغفال مالباخته و استیلاء بر مال او دو پایه مهم و سازنده ی رفتار مجرمانه در کلاهبرداری است. توسل به حيله و تقلب برای تحقق شروع به جرم کلاهبرداری نیز لازم است لکن استیلاء بر مال غیر، تنها برای تحقق جرم تام ضرورت دارد.^۲ مسئله خدعه و تقلب و تزویر هم از لحاظ مدنی و هم از حیث جزائی قابل بحث و بررسی است توسل به حيله مدنی نهایتاً منجر به تحقق تدلیس می شود و کاربرد حيله جزایی منتج به جرم کلاهبرداری. لذا علیرغم تشابهی که بین تدلیس و کلاهبرداری وجود دارد در مبنا و اساس با هم اختلاف دارند. از نظر حقوق خصوصی توسل به تقلب و تزویر به نحوی که موجب اغفال طرف معامله در انعقاد قراردادها یا اجرای آنها گردد ممکن است موجب بطلان یا عدم نفوذ معامله یا موجد یکی از خيارات برای طرفی گردد که از حسن نیت و یا خامی او سوء استفاده بعمل آمده است. اما

۱. از جمله اموری که موجب پیچیدگی این جرم شده تنوع و تعدد وسایلی است که معمولاً کلاهبردار برای رسیدن به مقصود نهایی خود که استیلاء بر مال دیگری و بردن آن است به کار می برد.

گاهی نظم عمومی ایجاب می کند که توسل به وسایل متقالبانه برای تحصیل مال دیگری (در خارج از موارد فریب مشتری در کمیت و کیفیت مبيع) و در سطح وسیعتری به صورت جرم کلاهبرداری با ضمانت اجرای کیفری موثر و شدیدتری اعلام شود. در واقع خدعه و تزویر جنبه عمومی بیشتری یافته و موجب نا امنی و نگرانی اجتماع و سلب آسایش عمومی می گردد. در نتیجه جریان عادی روابط معاملاتی، تجاری و اقتصادی مردم از مسیر عادی خود خارج می شود و جلوگیری از تجاوز و بی نظمی مستلزم مداخله هیئت اجتماع از طریق تضمین جزایی جدی تری است. بدین لحاظ قانونگذار برای کلاهبرداری مجازات حبس و جزای نقدی پیش بینی و در مواردی حتی با توجه به موقعیت مرتکب مجازاتهای مزبور را تشدید نموده است.^۱ البته فرق اساسی حيله جزایی و حيله مدنی در داشتن ضمانت اجرای کیفری برای نوع اول نیست، بلکه آنچه واجد اهمیت است وجود حالت خطرناک در مرتکب حيله جزایی است که به واسطه ی آن شکل و روشهای مورد استفاده در این حيله با شکل و روشهای بکار رفته در حيله مدنی تفاوت می یابد، به نحوی که خطر آن را برای اجتماع و بر هم زدن نظم عمومی مضاعف می کند و به همین دلیل قانونگذار برای حفظ نظم عمومی و مبارزه با این حالت خطرناک، مجازات شدیدتری را برای مرتکبان حيله جزایی پیش بینی کرده است و از نظر کلی نیز مفهوم حيله جزایی را مضیق تر از مفهوم حيله مدنی در نظر گرفته و هر گونه عملیاتی را که برای فریب دیگران به کار می رود، حيله جزایی تلقی نکرده است. در ماده یک قانون تشدید نیز با بکار رفتن عباراتی مثلاً از راه «حيله و تقلب»، «فریب دهد»، «امیدوار نماید» و «بترساند» تصویر کلی حيله جزایی تبیین شده و برای تحقق آن ارتکاب عمل مثبت مادی لازم دانسته شده است.^۲ رفتار مجرمانه در کلاهبرداری اقدام مثبتی است که منجر به اغفال معنی علیه و نهایتاً تسلیم مال به مرتکب می شود. رفتار مرتکب بایستی چنان باشد که موجب شود امر واقعی، غیر واقعی و امر غیر واقعی و نادرست، واقعی و درست جلوه نماید.

۱. گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۵، صص ۳۲۸ و ۳۲۹ و ۳۳۰.

۲. حبیب زاده، محمد جعفر، کلاهبرداری در حقوق تطبیقی، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، شماره ۱۷ و ۱۸، سال ۱۳۷۰ ص ۸۲.

اولین خصوصیت رفتار مجرمانه این است که توأم با دروغ و قلب حقیقت باشد^۱ قوام و پایه تدلیس عموماً و کلاهبرداری خصوصاً، بر دروغ استوار است و منظور از دروغ اخبار به امری است که مطابق واقع نیست. دروغ اغلب به شکل شفاهی و با گفتار واقع می شود و همچنین می تواند به شکل کتبی و حتی با ایماء و اشاره انجام شود مشروط بر اینکه مقصود فاعل عملی گردد.^۲ خصوصیت دوم رفتار مجرمانه این است که به صورت فعل مثبت مادی باشد، به همین دلیل ترک فعل رفتار مجرمانه را تشکیل نمی دهد برای مثال اگر مجنی علیه با اعتقاد به اینکه فلان شخص قدرت شفای بیماری اش را دارد به او مراجعه کند و برای این کار مالی را به او تسلیم نماید بدون اینکه از طرف گیرنده مال عملی سر بزند که موجب تقویت اعتقاد و باور مجنی علیه گردد، بلکه تنها از گفتن واقعیت خودداری و سکوت اختیار کند، نمی توان او را به عنوان کلاهبردار تعقیب و مجازات نمود علاوه بر این صرف اظهار دروغ برای تحقق کلاهبرداری کافی نیست و فعل مجرمانه تلقی نمی گردد، بلکه تنها یک اظهار شفاهی است.^۳ فرق تدلیس جزایی و مدنی نیز در همین جا ظاهر می شود زیرا برای تحقق تدلیس مدنی صرف دروغ و حتی کتمان حقیقت کفایت می کند بدون اینکه لازم باشد تدلیس کننده به مظاهر خارجی و مادی برای اغفال طرف خود توسل جوید.^۴ اصولاً دسیسه و تقلب به دو شرط محقق می شود، یکی اظهار اکاذیب توسط فاعل که جوهر خدعه و فریب است و دیگری عوامل و عناصر خارجی که موجب استواری و قوام اکاذیب می گردد. مثلاً فاعل ضمن اظهار امر دروغ، سند و مدرکی را برای تایید اظهاراتش ارائه می کند و یا قبلاً در این خصوص با شخص ثالثی تبانی می کند که با حضورش، اظهارات وی را تایید کند. بنابراین اگر کسی اکاذیبی را اظهار نماید و طرف مقابل به صرف شنیدن این اکاذیب و از روی سادگی و یا غفلت و بی مبالائی فریب خورده و مقداری از مالش را به فاعل تسلیم کند کلاهبرداری محقق نمی شود، چون فعل مثبتی انجام نگرفته است. رویه قضایی ایران نیز به این امر تاکید کرده است به موجب رای شماره ۱۴۶۹-۱۶/۶/۲۸ دیوان عالی کشور، صرف نوشتن نامه خلاف واقع به دیگری را

۱. نجیب حسنی، محمود، شرح قانون العقوبات، قاهره، دارالنهضة العربیه، ۱۹۹۲، ص ۹۹۵.

۲. عوض، محمد، جرائم الاموال والاشخاص، اسکندریه، دانشگاه اسکندریه، ۱۹۸۸، ص ۳۵۷.

۳. نجیب حسنی، محمود، شرح قانون العقوبات، قاهره، دارالنهضة العربیه، ۱۹۹۲، صص ۱۰۰۶ و ۱۰۰۷.

۴. عبید، رووف، جرائم الاعتداء علی الاشخاص والاموال، قاهره، دارالفکر العربی، ۱۹۸۵م، ص ۴۴۵.

ولو به قصد خریدن ملک مخاطب به قیمت نازلتر از قیمت حقیقی باشد شروع به کلاهبرداری ندانسته و گفته است: با فرض اینکه مقصود ترغیب طرف به فروختن ملک و تهیه مقدمات برای نیل به منظور خود باشد، این معنی از مقدمات بعیده کلاهبرداری است که طبق ماده ۲۱ قانون مزبور قابل مجازات نخواهد بود.^۱

رای شماره ۲۴۹۶-۱۳۳۷/۴/۳۱ شعبه سوم دیوان عالی کشور نیز حکایت از این دارد که صرف سکوت کافی برای تحقق جرم کلاهبرداری نیست. به موجب این رای: «اگر کارمندی مدد معاش دختر خود را که شوهر کرده بگیرد، عمل کلاهبرداری و مشمول ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی نخواهد بود.» بدلیل اینکه کارمند مذکور تنها از اظهار این حقیقت به مقامات مربوطه که دختر وی ازدواج کرده و بنابراین او دیگر حق دریافت کمک هزینه دختر خود را ندارد، خودداری نموده است و این تنها یک ترک فعل است نه فعل مثبت مقرون به حیل و تقلب.^۲ در قسمتی از رای شماره ۵۴۷-۷۵/۱۱/۸ شعبه شانزدهم دیوان عالی کشور آمده است: «... جرم کلاهبرداری از جرائم اثباتی بوده و صرف سکوت برای تحقق آن کافی نیست.»

بخش چهارم: اغفال مجنی علیه و رابطه سببیت

از خصوصیات دیگر وسیله مورد استفاده برای ارتکاب کلاهبرداری این است که موجب اغفال و فریب قربانی شود به طوری که وی مال را با رضایت خود که در واقع ناشی از گول خوردن در اثر کاربرد وسایل متقلبانه بوده است، در اختیار مجرم قرار دهد. بنابراین اگر مجرم با استفاده از داروی بیهوشی قربانی را بیهوش کرده و سپس مال او را بردارد، جرم کلاهبرداری محقق نخواهد شد. بلکه ممکن است در صورت وجود سایر شرایط جرم سرقت ارتکاب یابد.^۳ لازمه اغفال و فریب قربانی عدم آگاهی قربانی نسبت به متقلبانه بودن وسایل مورد استفاده کلاهبردار است. پس هر گاه برای مثال خریدار زمین بداند، زمینی که فروشنده یا دلال به وی نشان می دهد همان زمین مورد معامله نیست بلکه نامرغوبتر از آن است و باز اقدام به انجام معامله نماید، نمی تواند بعداً تقاضای تعقیب فروشنده یا دلال را تحت عنوان کلاهبرداری داشته باشد. در

۱. میر محمد صادقی، حسین، جرائم علیه اموال و مالکیت، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۴، صص ۵۶ و ۵۷.

۲. میر محمد صادقی، حسین، جرائم علیه اموال و مالکیت، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۴، صص ۵۶ و ۵۷.

۳. میر محمد صادقی، حسین، جرائم علیه اموال و مالکیت، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۴، ص ۷۶.

یک مورد مامورین کشف جرم برای دستگیری کسی که مظنون به فروش دلارهای تقلبی بوده است و به وی مراجعه کرده و وانمود کردند که خریدار دلار هستند، دیوان کشور از اینکه متهم را محکوم به ارتکاب جرم کلاهبرداری تام یا شروع به کلاهبرداری نماید خودداری کرد و اشعار داشت: «اگر چند نفر مامور کشف جرم برای خرید دلار تقلبی از متهم به او مراجعه نمایند و نامبرده دلارهای تقلبی را به آنها عرضه نماید این عمل شروع به کلاهبرداری نیست، زیرا لازمه ی عمل شروع به کلاهبرداری عدم وقوف طرف بر قصد و منظور مرتکب از توسل به وسایل تقلبی می باشد.»^۱ در این مورد می توان گفت در واقع خواست و هدف مامورین کشف جرم، گرفتن دلار تقلبی بوده است و اگر به جای دلار تقلبی، دلار سالم به آنها تحویل داده می شد، در حقیقت بر خلاف خواست آنها عمل شده بود، بنابراین چون آنها همان چیزی را بدست آورده اند که در پی آن بوده اند، جرم کلاهبرداری علیرغم وجود سوء نیت محقق نخواهد شد.^۲

بند اول: رابطه سببیت

برای تحقق جرم کلاهبرداری باید اغفال مالباخته ناشی از رفتار مجرمانه یعنی توسل به حيله و تقلب و به کار بردن وسایل متقلبانه باشد و الا اگر اغفال مالباخته ناشی از کاربرد وسایل متقلبانه نباشد و یا اصلاً اغفالی صورت نگیرد، جرم تام کلاهبرداری واقع نمی شود، بدین ترتیب باید بین رفتار مجرمانه و اغفال طرف رابطه ی قطعی سببیت برقرار باشد.^۳ بنابراین انجام یافتن رفتار مجرمانه باید مقدم بر اغفال مجنی علیه و بردن مال او باشد. هیأت عمومی دیوان عالی کشور در رای اصراری شماره ۲۸-۱۶/۸/۱۳۷۴ بر این مسئله تاکید کرده است به موجب این رای: «برای تحقق بزه کلاهبرداری توسل به وسایل متقلبانه باید مقدم بر بدست آوردن مال غیر

۱. حکم شماره ۷۳ مورخ ۱۳۳۶/۷/۲۰ شعبه دوم دیوان عالی کشور. (میر محمد صادقی، حسین، جرائم علیه اموال و مالکیت، ص ۸۰).

۲. میر محمد صادقی، حسین، جرائم علیه اموال و مالکیت، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۴، ص ۸۰.

۳. حبیب زاده، محمد جعفر، کلاهبرداری در حقوق تطبیقی، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، شماره ۱۷ و ۱۸، سال ۱۳۷۰، ص ۱۰۲ و محمود نجیب حسینی، شرح قانون العقوبات، قاهره، دارالنهضة العربیه، ۱۹۹۲، ص ۹۹۹.

باشد.^۱ صورت انتفای شرط مذکور و نیز با انتفای جهل مجنی علیه به تقلبی بودن وسایل، رابطه سببیت منتفی است. به این علت اگر مجنی علیه بدون آنکه مرتکب به حيله و تقلب متوسل شده باشد، مال خود را به هر انگیزه ای - خواه هبه یا صرف در امور خیریه و امثال آن - در اختیار او قرار دهد و گیرنده مال هم پس از تسلیم به نحو مزبور با تمسک به حيله و تقلب آن را به نفع خود یا دیگری تملک کند، کلاهبرداری واقع نمی شود و ممکن است با تحقق شرایط خاص، خیانت در امانت تلقی شود. همچنین اگر مال باخته با علم به تقلبی بودن وسایل مورد استفاده کلاهبردار، اموال خود را به او تسلیم کند هم جرم واقع نشده است. در همه این صورتهای رابطه سببیت بوجود نمی آید نه فقط در کلاهبرداری بلکه در سرقت نیز اگر مالک با رضا و رغبت مالش را به سارق تسلیم کند و یا اینکه مال از ابتدا در تصرف او باشد تحقق وصف مجرمانه منتفی است.

بند دوم: مصادیق وسایل متقلبانه

با وجودیکه کوشش زیادی برای تعیین مرز تقلب در امور کیفری و خدعه و فریب در امور مدنی بعمل آمده با این حال موفقیت قابل توجهی در این زمینه حاصل نشده است. در قوانین قرون ۱۹ و ۲۰ فریب دادن عمومی کسی برای خوردن مال او قابل مجازات پیش بینی نشده و در عوض توسل به وسایل تقلبی بطور کلی یا توسل به وسایل تقلبی معین و ویژه برای فریب دادن دیگری قابل مجازات شناخته شده است.^۲ در ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری نیز قانونگذار ایران تنها به ذکر مصادیقی از وسایل متقلبانه اکتفا کرده و آنرا محصور و محدود نموده است. و این امر با توجه به اوضاع اجتماعی امروز توجه پذیر و پسندیده تر است زیرا عصر ما عصر ارتباطات است، استفاده از تکنولوژی جدید، کامپیوتر و ماهواره اقتضا دارد که برای پیشگیری از وقوع جرم قوانین به نحوی تنظیم شود که اولاً با رعایت اصل قانونی بودن جرائم و مجازاتها حقوق افراد تضییع نشود و ثانیاً در جامعه ای که دشمنان فکری اش کلیه وسایل و امکانات خود را برای از هم گسیختن نظام فکری آن

۱. حبیب زاده، محمد جعفر، کلاهبرداری در حقوق تطبیقی، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، شماره ۱۷ و ۱۸، سال ۱۳۷۰، ص ۱۸۱.

۲. سپهوند، امیر، جزوه درسی تعزیرات دوره کارآموزی قضایی تهران، انتشارات آموزش دادگستری، ۱۳۷۶، ص ۱۱۶.

بسیج کرده اند، کلاهبرداران حرفه ای نتوانند به دلیل نبودن قانون یا عدم شمول قوانین بر مصادیق جدید از خلاء های قانونی برای سوء استفاده های مالی بهره برداری کنند به هر حال با توجه به ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری وسایل مورد نظر قانونگذار جمهوری اسلامی ایران عام است و آنچه در قانون برای مثال ذکر شده شامل وسایل متقلبانه معین و وسایل متقلبانه نامعین است.^۱

بخش پنجم: نتیجه مجرمانه به عنوان آخرین گام ارتباب جرم

جرائم را از لحاظ رکن مادی به جرائم مطلق و مقید تقسیم کرده اند. جرم وقتی مقید است که مقنن در موقع تعریف جرم، نتیجه حاصل از جرم ارتكابی و زیان وارد شده به مجنی علیه را یکی از عوامل تشکیل دهنده جرم قرار دهد. مثلاً جرم قتل وقتی تحقق می یابد که به فوت مجنی علیه منتهی شود. غالب جرائم پیش بینی شده در قانون جزا به صورت جرائم مقید است، برعکس استثنائاً جرایمی یافت می شوند که مقنن آنها را قبل از حصول نتیجه مطلوب مورد نظر مجرم، انجام شده تلقی کرده است این قبیل جرائم را جرائم مطلق می نامند^۲ مانند جرم ساختن مسکوک طلا و نقره رایج، دخالت افراد عادی در امور دولتی و یا سوء قصد به مقامات دولتی و غیره، برای مثال ماده ۵۵۵ قانون مجازات اسلامی می گوید: «هرکس بدون سمت یا اذن از طرف دولت خود رادر مشاغل دولتی اعم از کشوری و لشکری و انتظامی که از نظر قانون مربوط به او نبوده است دخالت دهد یا معرفی نماید به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد و چنانچه برای دخالت یا معرفی خود در مشاغل مزبور، سندی جعل کرده باشد، مجازات جعل را نیز خواهد داشت». در این ماده و نظایر آن قانونگذار تحقق جرم را منوط به حصول نتیجه ای ندانسته وبدون آن، جرم منظور ارتکاب می یابد. جرم کلاهبرداری از زمره جرائم مقید است^۳ لذا برای تحقق آن حصول نتیجه یعنی بردن مال دیگری لازم و ضروری است وعلاوه براینکه قانون به آن تصریح نموده، رویه قضایی نیز بر آن تاکید دارد. شعبه دوم

۱. حبیب زاده، محمد جعفر، کلاهبرداری در حقوق تطبیقی، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، شماره ۱۷ و ۱۸، سال ۱۳۷۰، ص ۱۱۰.

۲. علی آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، ج ۱ چاپ دوم، تهران، انتشارات فردوسی، ۱۳۸۷، ص ۱۳.

۳. مقید بودن کلاهبرداری و ضرورت حصول نتیجه مجرمانه به روشنی از ماده ۳۳۶ قانون مجازات مصرقابل استنباط است و نیاز به بحث جداگانه ای نیست.

دیوان عالی کشور در رای شماره ۱۶۱ مورخ ۱۳۲۴/۲/۴ اظهار داشته است: «اگر کسی بدون پرداخت مال حواله به محال له، حواله محیل را به حساب او گذاشته باشد، این مقدار از عمل بدون اینکه متهم به منظور خود نایل آید و مال مورد حواله را خورده باشد، اتمام عمل کلاهبرداری محسوب نمی شود بلکه با احراز سوء نیت، شروع به کلاهبرداری خواهد بود».^۱

در رای شماره ۲۷۳۳-۱۷/۱۲/۱۴ و ۱۵۳۸-۱۳۲۹/۶/۳۰ همین شعبه آمده که «که اگر موجری برای مبلغی از مال الاجاره سابق که مستحق آن نبوده تقاضای صدور ورقه اجرائیه کند و به وسیله اجرای ثبت در مقام وصول آن برآید، این عمل صرفاً بدون اینکه به نتیجه منظور برسد، شروع به کلاهبرداری محسوب است که مشمول قسمت اخیر ماده ۲۳۸ قانون کیفر عمومی و ماده تفسیری آن خواهد بود، نه قسمت اول ماده ۲۳۸ مزبور»^۲ شعبه پنجم دیوان عالی کشور نیز در این خصوص در رای شماره ۱۹-۱۳۲۲/۵/۱، اشعار داشته: «اگر وارثی قسمتی از اموال غیر منقول پدر خود را که بین او و سایر ورثه مشترک بوده، در موقع ارزیابی نشان ندهد و در نتیجه این عمل، آن قسمت که عبارت از دو باب خانه بوده مورد تقسیم واقع نشود، چون نتیجه این کار برفرض هم که از روی سوءنیت انجام یافته باشد، بیش از این نیست که مقداری از ترکه تقسیم نشده و به حال اشتراک باقی میماند، بنابراین نمی توان گفت وارثی که آن قسمت از مال را نشان نداده، آنها را تملک کرده، زیرا تقسیم نشدن مال باعث مالک شدن نسبت به آن نمی شود تا گفته شود آن مال را از راه تقلب بدست آورده و خورده یا لااقل شروع به این کار کرده است».^۳ در خصوص این عنصر از رکن مادی- نتیجه مجرمانه- موضوعاتی مطرح است که بررسی آن به روشن شدن آن کمک می کند:

بند اول: تسلیم

تسلیم مال به کسی که به وسائل تقلبی متوسل می شود یا شخص مورد نظر وی، لازمه تحقق جرم کلاهبرداری است. این ترتیب، یعنی تسلیم مال بوسیله صاحب آن به کلاهبردار یا شخص

۱. ساسان نژاد، امیر هوشنگ وباقری، سعید، مسائل حقوقی پیرامون جرم کلاهبرداری، چاپ چهارم، تهران، انتشارات فردوسی، ص ۷۳.

۲. ساسان نژاد، امیر هوشنگ وباقری، سعید، مسائل حقوقی پیرامون جرم کلاهبرداری، چاپ چهارم، تهران، انتشارات فردوسی، ص ۷۶.

۳. همان، ص ۷۴.

مورد نظر وی از جهات افتراق کلاهبرداری با سرقت و خیانت در امانت محسوب می شود زیرا هر چند در خیانت در امانت هم صاحب مال شخصاً و با رضایت و میل خود مال را تسلیم می کند و از این بابت عملاً با کلاهبرداری یکسان است اما تسلیم مال در کلاهبرداری متعاقب توسل به وسایل متقلبانه به وسیله تصاحب کننده مال است بنحویکه اگر وضعیت مزبور عملی نگردد و تصاحب کننده به وسایل تقلبی متوسل نشود تسلیم مال غیرممکن است در صورتیکه در تسلیم مال در خیانت در امانت امین اقدامی انجام نمی دهد بلکه قبلاً مال به نحوی به او سپرده شده است. تفاوت کلاهبرداری با سرقت هم در این است که در سرقت مال را سارق می رباید ولی در کلاهبرداری صاحب مال که فریب خورده، شخصاً به کلاهبردار تسلیم می نماید.^۱

در رای شماره ۱۹۵۱-۱۷/۷/۱۹ صادره از شعبه دوم دیوان عالی کشور آمده است: «عنوان کلاهبرداری و عنوان خیانت در امانت بر عمل واحد صادق نمی باشد زیرا کلاهبرداری متضمن عنوان فریب است و خیانت در امانت متضمن عنوان رضا و اگر مثلاً متهمی جنسی را به فریب و تقلب از شاکی گرفته باشد فقط کلاهبردار بوده و اگر شاکی به رضای خود به او سپرده باشد و در عین یا قیمت آن تصرف غیرمجاز کند، فقط خیانت در امانت خواهد بود...».^۲ مطلب قابل توجه در ارتباط با تسلیم این است که، همانطور که بین رفتار مرتکب و اغفال مجنی علیه بایستی احراز رابطه سببیت گردد، بین تسلیم شیء و اغفال مجنی علیه نیز باید چنین رابطه ای برقرار گردد.^۳ و تسلیم باید نتیجه مستقیم بکاربردن وسایل متقلبانه توسط مرتکب باشد، با وجود این لازم نیست که مال موضوع جرم به شخص مباشر یا شرکای جرم تسلیم شود، بلکه از لحظه ای که موضوع جرم از تصرف قربانی جرم خارج می شود، تسلیم تحقق پیدا کرده است. آنچه مورد نظر قانونگذار قرار گرفته، آن است که زیان دیده، شیء مورد نظر را به نفع

۱. سپهوند، امیر، جزوه درسی تعزیرات دوره کارآموزی قضایی، تهران، انتشارات آموزش دادگستری، ۱۳۷۶، ص ۱۱۹.

۲. ساسان نژاد، امیر هوشنگ و...، مسائل حقوقی پیرامون جرم کلاهبرداری چاپ چهارم، تهران، انتشارات فردوسی، ص ۷۵.

۳. رویه قضایی نیز این امر توجه و تاکید دارد، شعبه ۲۷ دیوان عالی کشور در رای شماره ۵۵۰-۷۵/۱۱/۱۵ در این خصوص اشعار داشته: «... هر چند مالباخته اغفال شده است لکن هیچ رابطه ای بین اغفال و تسلیم مال متصور نیست بدلیل آنکه باتوجه به اظهارات شاکی، وی به هنگام تسلیم مال، از نیت مرتکب اطلاع یافته است...».

متهم تسلیم کند و اینکه تسلیم به طور مستقیم به وسیله مجنی علیه صورت گرفته باشد و یا اینکه دیگری به نمایندگی از او این تسلیم را انجام دهد.^۱

بند دوم: اضرار به غیر

برای تحقق کلاهبرداری صرف تسلیم مال کافی است و تحقق ضرر نباید به عنوان یک عنصر مستقل مورد توجه قرار گیرد. اگر ثابت شود متهم مال دیگری را با توسل به وسایل متقلبانه تصرف کرده، همین عمل نشان دهنده قصد تملک اوست و به محض تصرف مال، شرط ضرر تحقق یافته است؛ یعنی صرف خروج مال از تصرف مالک، ضرر است، خواه مالکیت مالک در زمان تسلطش بر آن مال باعث ضرر بوده خواه نفعی برای او در برداشته باشد. بنابراین اگر کسی کارخانه ای داشته باشد که اثر مالکیتش بر آن، پرداخت مالیات بوده است که این مالیات از منافع حاصل از فروش محصولات کارخانه نیز بیشتر باشد و بر اثر اغفال، آنرا به مالکیت دیگری در آورد، هر چند فرد متقلب در ظاهر باعث دفع ضرر مالک (پرداخت مالیات) شده است، اقدامش کلاهبرداری محسوب می شود. بنابراین، ضرر به معنای فقر و مسکنت مجنی علیه نیست و افزایش دارایی کلاهبردار نیز مورد نظر نیست، بلکه ماهیت این جرم به نحوی است که به خودی خود با غرور افراد و معیوب شدن رضا و در نهایت تجاوز به حق مالکیت آنها ملازمه دارد.^۲ البته در این خصوص کسانی که عنصر ضرر را عنصر مستقلی می دانند، می گویند کلاهبرداری جرم مرکب و آنی است و تحقق آن منوط به بردن مال غیر است و در ماده یک قانون تشدید نیز آمده است که: «از این راه مال دیگری را ببرد...»، یعنی کلاهبردار باید مبادرت به اخذ مال به زیان دیگری و اکل مال به باطل نماید و از اینجا نتیجه می گیرند که قصد انجام جرم و توسل به وسایل تقلبی و تحصیل مال یا سند برای تحقق کلاهبرداری کافی نیست، بلکه باید در نتیجه تقلبات فوق ضرر و زیانی واقعی و جدی به شخص فریب خورده، وارد شده باشد، هر چند لازم نیست که استفاده کننده و ذینفع خود مرتکب باشد.^۳

۱. حبیب زاده، محمد جعفر، کلاهبرداری در حقوق تطبیقی، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، شماره ۱۷ و ۱۸، سال ۱۳۷۰، ص ۱۷۱.

۲. حبیب زاده، محمد جعفر، کلاهبرداری در حقوق تطبیقی، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، شماره ۱۷ و ۱۸، سال ۱۳۷۰، ص ۱۷۳.

۳. گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای عمومی، چاپ دهم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۴، ص ۳۳۴.

این نظر و عقیده با توجه به آنچه که پیش تر ذکر شد درست به نظر نمی رسد مضافاً اینکه از قانون نیز نمی توان چنین شرطی را استنباط نمود و رویه قضایی برخلاف آن است. برای مثال دررای شماره ۷۵/۱۱/۱۷/۵۵۱ شعبه شانزدهم دیوان عالی کشور آمده است: «... و از طرفی جرم کلاهبرداری از جرائم اثباتی بوده و به محض تحصیل مال وقوع می یابد...». از این رای استنباط می شود که صرف تحصیل مال توسط مرتکب برای تحقق جرم کلاهبرداری کافی است خواه ضرری واقعی به مالباخته وارد شود خواه نشود، البته همانطور که بحث شد در این خصوص بین حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد عمده ترین عقاید موافق و مخالف دراین باره به گارو و گارسن تعلق دارد که جهت بحث تطبیقی درذیل آورده می شود.

بند سوم: موضوع جرم

هر جرمی دارای موضوعی است که فعل مرتکب بر علیه آن ارتکاب می یابد و بر این اساس جرائم به چند دسته تقسیم شده است. جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص، جرائم علیه اموال و مالکیت، جرائم علیه اخلاق و عفت عمومی، جرائم علیه نظم و آسایش عمومی و جرائم علیه امنیت کشور، جرم کلاهبرداری از مصادیق جرائم علیه اموال و مالکیت است لذا قصد کلاهبردار «بردن مال دیگری» است و مال، موضوع این جرم را تشکیل می دهد. مال دارای مصادیقی است و برای اینکه بدانیم چه اموالی موضوع جرم کلاهبرداری را تشکیل می دهد باید به ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری مراجعه کنیم. بر طبق قسمتی از این ماده مرتکب بایستی «... وجوه و یا اموال یا اسناد و یا حوالجات یا قبوض یا مفاسد حساب و امثال آنها را تحصیل کرده و از این راه مال دیگری را ببرد...». این ماده طبیعت اشیای موضوع کلاهبرداری را بیان کرده است و بر اساس این ماده، هر حيله و تقلبی که منجر به تحصیل چیزی غیر از مال شود، مشمول عنوان کلاهبرداری نمی شود. مصادیق اموال مذکور نیز در این ماده تمثیلی است. وجوه در این ماده جمع وجه و برهرونوع پرداخت پول نقد - اعم از اسکناس رایج داخلی یا خارجی - اطلاق می شود. پولهای غیر رایج داخلی و خارجی هر چند وجه تقلبی محسوب نمی شوند، لکن بدلیل مالیت داشتن مشمول عنوان مال هستند و هیات عمومی دیوان عالی کشور در رای شماره ۹۰-۱۳۵۳/۱۰/۴ اظهار کرده است: «نظریه اینکه پرداخت وجه برات با پول خارجی، بنا به مدلول ماده ۲۵۲ قانون تجارت تجویز نشده است

و مطابق قسمت آخر بند «ج» ماده ۲ قانون پولی و بانکی کشور، پرداخت تعهدات به ارزش با رعایت مقررات ارزی مجاز می باشد و نظر به بند ۱ ماده ۸۷ قانون آیین دادرسی مدنی راجع به ارزیابی خواسته در مورد پول رایج ایران و پول خارجی، تخصیص دادن ماده ۷۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی به دعاوی که خواسته آن پول رایج ایران است، صحیح نیست و عبارت وجه نقد مذکور در این ماده اعم است از پول رایج ایران و پول خارجی و بنابراین، مقررات فصل سوم قانون مزبور در باب خسارت تاخیر تادیه شامل دعاوی نیز که خواسته آن پول خارجی است می شود». براساس این رای وحدت رویه، وجه نقد اعم از پول رایج داخلی و خارجی است که این نظریه در همه جرائم مالی از جمله کلاهبرداری قابل اعمال است.^۱

اسناد اعم از رسمی و عادی و دست نویس یا ماشینی و چاپی، به نحوی که قانوناً و عرفاً دلیل و مدرک ایجاد حق یا تعهد باشد و لذا نوشته هایی که سند تلقی نمی شود و ارزش مالی و معاوضه ای نداشته باشد نمی تواند موضوع جرم کلاهبرداری قرار گیرد. منظور از حوالجات و قبوض، اسناد ذمه آوری است که معمولاً دلیل وصول یا دریافت وجه نقد یا مالی است. مفاسد حساب نیز دلیل تسویه حساب قبلی و انتفاع طلب است. اصطلاح «وامثال آن» در قانون سفید مهر، اقرارنامه، قولنامه و هرسند یا نوشته ای را که متضمن ایجاد حق و تعهد یا انتفای آن باشد شامل می شود.^۲ سوالی که در اینجا مطرح می شود این است که آیا ماده یک قانون تشدید شامل اموال غیر منقول هم می شود یا خیر؟ بعضی از حقوقدانان معتقدند که در قانون مجازات ایران (چه در ماده ۲۳۸ سابق و چه در ماده ۱۱۶ قانون تعزیرات و چه ماده یک قانون تشدید) از کلاهبرداری در اموال غیر منقول ذکر بعمل نیامده و آنچه که در قانون مندرج است مربوط به اموال منقول می شود لذا تنها اموال منقول موضوع جرم کلاهبرداری است و این جرم شامل اموال غیر منقول نمی شود.^۳ در مقابل این نظریه، بیشتر حقوقدانان ایران معتقدند کلمه «مال» مذکور در قانون شامل هر نوع مال اعم از منقول و غیر منقول

۱. باختر، سید احمد، رئیسی، مسعود، مجموعه کامل آرا وحدت رویه، چاپ اول، انتشارات خط سوم، ص ۵۸۴.

۲. گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای عمومی، چاپ دهم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۴، ص ۳۳۲.

۳. میرفخرایی، محمد، جزوه حقوق جزای اختصاصی، دانشگاه شهید بهشتی، ص ۸۶.

می شود، رویه قضایی نیز کلاهبرداری را در اموال غیر منقول جاری دانسته است زیرا از مصادیق مذکور در قانون می توان استنباط کرد که موضوع کلاهبرداری به طور غیر مستقیم اموال غیر منقول را هم شامل می شود. برای مثال هنگامی که شخصی با توسل به وسیله متقلبانه دارنده ملکی را متقاعد می کند که سند ملک را به او منتقل کند، کلاهبردار محسوب می شود. مال موضوع قانون راجع به انتقال مال غیر مصوب ۱۳۰۸ نیز به نحو مطلق آمده^۱ و دیوان عالی کشور هم در این خصوص در رای شماره ۸۰۶۷/۴۰۷-۱۳۱۶/۲/۲۷ اظهار کرده اینکه: «مال غیر که موجب ماده یک قانون مصوب ۱۳۰۸ نقل آن ممنوع و انتقال دهنده کلاهبردار محسوب گردیده، بر حسب ظاهر اعم از منقول و غیر منقول است و دلیلی بر اختصاص آن به غیر منقول وجود ندارد».^۲ یکی از اساتید حقوق استدلال می کنند عبارت ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی با منحصر کردن موارد کلاهبرداری به وجه نقد و اسناد و نظایر آن، اموال غیر منقول را از حیطه شمول کلاهبرداری خارج ساخته است... همچنین آنچه کلاهبردار با توسل به وسایل متقلبانه به طور مستقیم بدست می آورد از مصادیق منقول است و نه غیر منقول و تفسیر مخالف این نظریه به ضرر متهم و مخالف اصول علمی است. بلکه اگر شخصی با توسل به وسایل متقلبانه سند انتقال خانه یا حتی قولنامه راجع به فروش آن را به دست آورد عمل او به نحو مستقیم و فقط به اعتبار متقلبانه بدست آوردن سند و مدرک مربوطه به غیر منقول، کلاهبرداری است و نه به اعتبار خود غیر منقول. پس می توان گفت که کلاهبرداری به طور غیر مستقیم و به عنوان نتیجه شامل اموال غیر منقول نیز می شود.^۳ بنا بر مراتب فوق می توان گفت برخلاف نظر گروه اول، اموال غیر منقول نیز می تواند هر چند غیر مستقیم، موضوع جرم کلاهبرداری قرار گیرد.

۱. حبیب زاده، محمد جعفر، کلاهبرداری در حقوق تطبیقی، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، شماره ۱۷ و ۱۸، سال ۱۳۷۰، ص ۱۴۴.

۲. ساسان نژاد، امیر هوشنگ و...، مسائل حقوقی پیرامون جرم کلاهبرداری، چاپ چهارم، تهران، انتشارات فردوسی، ص ۷۲.

۳. پاد، ابراهیم، جزوه درسی حقوق جزای اختصاصی، دانشگاه تهران، ص ۵۰.

بخش ششم: نگاهی اجمالی به رابطه سببیت بین رفتارهای مجرمانه و نتیجه مرتبط نهایی

احراز رابطه سببیت بین رفتارهای مجرمانه و نتیجه مرتبط بر آن، در همه جرایم مقید، لازم است و در تمام نظامهای حقوقی بر آن تأکید شده است.^۱ اگر مال تحصیل شده، به علتی غیر از انجام یافتن اعمال متقلبانه توسط مرتکب، به او تسلیم شود و بین عمل مرتکب و تحصیل مال رابطه سببیت احراز نشود، جرم کلاهبرداری منتفی است. پس اگر به رغم بکار بردن وسایل متقلبانه، شخصی با علم به غیر واقعی بودن آنها، مال خود را به مرتکب حيله و تقلب تسلیم کند، رابطه سببیت تحقق نیافته است و وقوع جرم کلاهبرداری منتفی است.

حقوقدانان این شرط را به طور مستقل مورد بحث قرار داده اند^۲ و ما پیشتر راجع به آن بحث کرده ایم. در کلاهبرداری رابطه سببیت، حالت تسلسل دارد؛ یعنی فعل مرتکب باید منجر به اغفال بزه دیده شود و اغفال نیز موجب تسلیم مال به مرتکب گردد و بین هریک از آنها رابطه سببیت وجود داشته باشد. فعل مجرمانه و تسلیم مال که باید واجد رابطه سببیت باشد، دو عمل جداگانه است که یکی را فاعل و دیگری را بزه دیده انجام میدهد؛ در حالیکه در سرقت فقط فعل مجرمانه لازم است و تسلیم مال شرط تحقق جرم نیست. احراز سببیت، مستلزم آن است که فعل مرتکب مقدم بر فعل بزه دیده باشد و یا لاقلاً همزمان با آن صورت گیرد. در کلاهبرداری، انجام یافتن فعل از سوی مرتکب و تسلیم مال از سوی بزه دیده، بدون رابطه سببیت بین آنها قابل تصور است و آن حالتی است که بزه دیده به رغم علم به متقلبانه بودن افعال مرتکب، مالش را به او تسلیم میکند که در این صورت با وجود تحقق عنصر استیلا، جرم کلاهبرداری واقع نمی شود.^۳ برای احراز رابطه سببیت، بعضی از حقوقدانان به تئوری شرط مستقیم استناد کرده اند. بنابر آنچه گفته شد، برای تحقق رابطه سببیت اولاً، باید مالباخته اغفال شده باشد، ثانیاً، اغفال او باید به نحوی باشد که بتوان تسلیم مال را ناشی از آن دانست و ثالثاً رفتار مرتکب مقدم بر تسلیم مال باشد. بنابراین، اگر تسلیم مال از سوی بزه دیده براساس قرار

۱. Blair, j. Kolasal; Legal Systems ; P. ۵۶۹.

۲. «راجع به ماده ۲۳۸ قانون کیفر عمومی»، مجله قانون و کلا؛ س ۱۸، ش ۱۰۳، ص ۹۸ و ابوعامر، محمدزکی و عبدالقادر القهوجی، علی؛ شرح قانون العقوبات، القسم الخاص، ص ۳۳۶.

۳. عبید، رووف، جرائم الاعتداء علی الاشخاص والاموال، قاهره، دارلفکر العربی، ۱۹۸۵م، ۴۸۸.

قبلی بوده و هیچ گونه مانور متقلبانه ای استفاده نشده باشد، رابطه سببیت منتفی است. براین اساس شعبه بیستم دیوان عالی کشور در رأی شماره ۶۷۰ مورخ ۱۳۷۱ چنین اعلام نظر کرده است: «تقدم وسایل متقلبانه بر بردن مال غیر، قانوناً از شرایط اصلی تحقق کلاهبرداری و از جهات افتراق آن با سایر جرائم مالی است». همچنین در رأی اصراری کیفری شماره ۱۳۷۴/۲۸ مورخ ۱۳۷۴/۸/۱۶ هیأت عمومی شعب کیفری دیوان عالی کشور بدست آمده است: «... برای تحقق بزه کلاهبرداری، توسل به وسایل متقلبانه باید مقدم بر بدست آوردن مال غیر باشد...». توسل به وسایل متقلبانه پس از تسلیم مال به دیگری، ممکن است با احراز سایر شرایط مصداق جرم خیانت در امانت باشد و در هر حال کلاهبرداری نیست.^۱

نتیجه گیری

با توجه به مطالب ارائه شده و در مقام نتیجه گیری از مباحثی که مطرح گردیده می توان گفت کلاهبرداری از طریق سکه های تقلبی مهمترین جرم علیه اموال است و از لحاظ وسیله و روش از هوشمندانه ترین جرایم علیه اموال شمرده میشود که خود باعث بروز ارتکاب جرایم دیگر شده. از داده های گردآوری شده میتوان نتیجه گرفت عوامل ذیل باعث بروز جرم عموماً و کلاهبرداری از طریق کلاهبرداری با سکه تقلبی خصوصاً باشد. در قالب پیشنهاد پایانی در مقاله حاضر باید گفت مدت زمان محکومیت جرم کلاهبرداری از طریق سکه های تقلبی زمان زیادی است و باید متناسب با شرایط افراد به صورت تخصصی و شخصی اعمال شود. افراد موضوع این جرم اقشار ضعیف از نظر اقتصادی و فرهنگی جامعه هستند که اکثراً سرپرست خانواده میباشند و در طول گذران دوران طولانی محکومیت خود خانواده آنها بدلیل نبود سرپرستی که آنها را از نظر مالی و عاطفی حمایت کند رو به زوال و تباهی میگذارند و خود بدلیل فقر مالی و دیگر فشارهای وارده تحمیلی میروند و خود میتواند عاملی باشد برای ارتکاب جرایم بیشتر در جامعه که نه تنها نمیتوانیم جامعه را با مجازات حبس طولانی مدت اصلاح کنیم بلکه موجب افول بیشتر آن میشویم پس بنظر میرسد قانونگذار باید تمهیداتی

^۱ طاهری، حمزه؛ بررسی جرم شناختی کلاهبرداری از طریق سکه های تقلبی در شهرستان الیگودرز، پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد M. A رشته حقوق جزا و جرم شناسی، استاد راهنما: دکتر ایرج گلدوزیان، استاد مشاور: محمد تقی اکبری، ص ۹۳

جهت بازنگری این مورد از کلاهبرداری در جهت تبدیل مجازات و کاهش مدت حبس انجام دهد. همچنین باید توجه داشت از نظر اعمال مجازات مالی جرم کلاهبرداری از طریق سکه های تقلبی. کلاهبردار علاوه بر حبس طولانی مدت محکوم به رد مال مورد کلاهبرداری در حق مالباخته به جزای نقدی معادل مال مورد کلاهبرداری هم محکوم میشوند که واقعا سنگین است. مرتکبین این جرم عموماً از قشر فقیر جامعه بیکار و جوان هستن این گونه افراد چگونه میتوانند بعد از گذراندن حبس طولانی مدت برابر مالی که کلاهبرداری کرده اند را در حق دولت پردازند. دز پایان به نظر می رسد با توجه به قانون حاکم کلاهبرداران موضوع بحث محکوم به این هستند که به دلیل ضعف مالی تا ابد در زندان بمانند چون قادر به پس دادن مال مردم نیستند و در صورت نپرداختن مجازات مالی برای پرداخت آن حبس بدل از جزای نقدی را سپری کنند و محکوم به نابودی خود و خانواده خود می شوند.

منابع و مآخذ

- باختر، سید احمد، رئیسی، مسعود، مجموعه کامل آرا وحدت رویه، چاپ دوم، انتشارات خط سوم سال ۱۳۹۹.
- پاد، ابراهیم، جزوه درسی حقوق جزای اختصاصی، دانشگاه تهران. ۱۳۸۸
- پاد، دکتر ابراهیم، جزوه حقوق جزای اختصاصی، جرایم علیه اموال، انتشارات دانشگاه تهران
- ۱۳۸۰.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ شانزدهم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۵.
- حبیب زاده، محمد جعفر، کلاهبرداری در حقوق تطبیقی، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، شماره ۱۷ و ۱۸، سال ۱۳۷۰.
- حضرت امام راحل (ره) تحریر الوسیله، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ترجمه علی اسلامی، جلد چهارم، مسأله ۱۲، ۱۳۹۰.
- سپهوند، امیر، جزوه درسی تعزیرات دوره کارآموزی قضایی، تهران، انتشارات آموزش دادگستری، ۱۳۷۶.
- عبدالتواب، معوض، قانون العقوبات المصری، جلد اول و دوم، قاهره دارالوفاء، ۱۹۸۸.
- عوض، محمد، جرائم الاموال والاشخاص، اسکندریه، دانشگاه اسکندریه، ۱۹۸۸.
- علامه محقق حلی (ابوالقاسم نجم الدین) شرایع الاسلام جلد چهارم، ترجمه ابوالقاسم بن احمد یزدی، انتشارات دانشگاه تهران بکوشش محمدتقی دانش پژو، سال ۱۳۶۲.
- طاهری، حمزه؛ بررسی جرم شناختی کلاهبرداری از طریق سکه های تقلبی در شهرستان الیگودرز، پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد M. A رشته حقوق جزا و جرم شناسی، استاد راهنما: دکتر ایرج گلدوزیان، استاد مشاور: محمد تقی اکبری، ۱۳۹۲

- گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای عمومی، چاپ دهم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۴.
- گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
- نجیب حسنی، محمود، شرح قانون العقوبات، قاهره، دارالنهضة العربيه، ۱۹۹۲.
- ولیدی، محمد صالح، حقوق جزای عمومی، نشر سمت. ۱۳۹۰.
- علی آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، ج ۱، چاپ دوم، تهران، انتشارات فردوسی، ۱۳۸۷.
- نجیب حسنی، محمود، شرح قانون العقوبات، قاهره، دارالنهضة العربيه، ۱۹۹۲.
- میرفخرایی، محمد، جزوه حقوق جزای اختصاصی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۷.
- متین، احمد، مجموعه رویه قضایی، چاپ آفتاب، بی جا، ۱۳۴۲.